

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

سه شنبه ۲۵ جنوری ۲۰۲۲

ناتور رحمانی

## ماشین کهنه ....

ماشین زنگ زده و کهنه سیاسی سرزمین ما ، چندین بار با روغن های خارجی چرب گردیده است ، تا گردشی بمرام گریسکار بیگانه داشته باشد ، و در باز تولید موتور اقتصادی ، نظامی و سیاسی آنها را بچرخاند ، و همین ماشین کهنه دستکاری شده ، ذریعه استعمار شرق و غرب ، دل خاک ما را در عرصه های مختلف ، شدیدار ساخته است .

بلی ، این ماشین کهنه سیاسی با روغن مالی های خارجی ، با گردش ناهنجارش در طول تاریخ ، یا نیمه ای تاریخ هرچیز را بی ثبات ، متزلزل و بی ریشه ساخته است ، این ماشین زنگ زده نه تنها ما را از کاروان تمدن ، بلکه از تاریخ دیار مان هم دور و جدا ساخته است !!

کارفرمایان کهنه کار و جهانخوار ، با فرمانبران شرفباخته بومی اش ، در هر دوران سرزمین فارغ از تعصب و جاهل مان را ، میدان یورش شترسواران دوران عتیقه ، مارکیت تفرقه ، دویی ، استخوان شکنی ، بازار شمشیرهای زنگ زده قرون وسطایی ، و عصری ترین سلاح زرادخانه اشغالگران نموده اند .

و با همین شمشیرهای عتیقه ای خرافی و تجهیزات مدرن ، چه بی حساب خرخره بریده اند ، خرخره های از جنس خردمندان ، دیگراندیشان و آزادیخواهان را ، چون تخیل شان توانایی پذیرش نوآوری ، باروری و انسان باوری را نداشته است .

این ماشین کهنه گریسکاری شده ، برای بجا ماندن و حرکت حلزونی خود خون میخورد ، خون وطنپرستان را؟! این ماشین تا توانست از مواد خام خارجی ها ، جاهل و جبار ، جیره خور و جانی تولید نمود ، که همه سردسته دزدان و رهبر رهنان شدند ، آنها هر روز نفس ، نان و نام مردم را می دزدند ، این میلیاردی های ورم کرده ای بویناک ، با وقاحت زشتی کردار خویش ، و مرام ضد مردمی شانرا با جهل مستدام سیاه مشق مینمایند .

آنها هرازگاهی با الفبای تفنگ و ترور و تریاک ، دهان های کف کرده شانرا ، به بلندگو های رنگارنگ ساخته دستگاه خودشان می چسبانند ، و دروغ استفراغ مینمایند .

هرگاه سوالی پیرامون حق و آزادی ، یا صدائی برای گفتن حقیقت ، از هرکجای این سرزمین بلند گردد ، رانندگان این ماشین کهنه روغن مالی شده ، و سازمان دهندگان انقجار و انتحار ، به امر گردانندگان اصلی ، آنها را با درد و داغ و دار ساکت میسازند ، و یا عقب دژ ها و در های آهنین بسته ، به زنجیر و ذولانه میکشند ... .

مگر سلسله وطنپرستان و فریاد آزادیخواهان ، همانگونه چهارسوی وطن را رنگ انقلاب میزند ، تا روز آزادی واقعی مردم و میهن از اسارت و استعمار و اشغال .

ما به تاریخ سیاسی وطن مینگریم ، یکی دو قرن میشود که این ماشین کهنه سیاسی ، چرب شده با روغن های کذایی مختلف خارجی مثل امپریالیزم ، سوسیال امپریالیزم ، شوئونیزم اخوانیزم ، طالبیزم ، جهادیزم ، داعشیزم دموکراسیزم و غیره ( ایزم ) ها ، که در اصل هیچ کدام حقیقت نداشته اند ، با ترفند و نیرنگ سر بُریده است ، سرهای باارزش آنهایی را که تلاش برای انهدام این ماشین داشته اند ، سر آنهایی را بُریده اند که با عشق بزرگ برای ارتقای میهن و سعادت مردم خویش ، و برای آزادی باور داشته اند ... .

زادگان خیانت و جنایت ، این خادمان و چاکران بیگانگان یا امیران جبار ، شمشیر از نیام دشمنان وطن گرفته و با همان شمشیر کله منارها ساخته اند ، یا طیف بزرگ از عاشقان میهن را ، در هر برهه ای از تاریخ ، مدفون گورهای دسته جمعی نموده اند .

با دریغ و درد ! که این ماشین هنوز هم فعال است ، پریروز امیر عبدالرحمن ، و چند امیرک دیگر با همین ماشین روغن مالی شده سر می بُریدند ، دیروز خاندان نادرجلاد و بُریده های از ناف شان ، حزب منفور خلق و پرچم این کار را کردند ، باز نوکران بی خرد اسلامگرا جهادی ، باز پدیده ای جهل زده ای زن ستیز ، بنام طالب ریزه خوران سعودی ، ایران و پاکستان ، همه را به خاک و خون کشاندند !!؟

امروز ناتو و امریکا با چاکران خانه زاد و خود ساخته اش داعش ، رژیم دست نشانده ( ع و غ ) و جمع از آدمکشان و ظن فروش ، و بقایای تمام دوره های وابسته به سیستم شر و فساد ، و دست نشانده چنین میکنند ... . و باز هجوم لشکر جعل و جاهل ، خشم و پشم اولاد ارتجاع و امپریالیزم با ددمنشی و غلامی ، با همین ماشین کهنه روغن مالی شده خارجی ها ، سرزمین مانرا به حمام خون تبدیل نموده اند ، و سوگمندان چنین شد ، اگر ما از خواب گران بیدار نشویم ، اگر مدهوش همان

افتخارات گذشته و از دست رفته باشیم ، هزار چهره کثیف هزاربار با همین ماشین گریسکاری شده دست خارجی ها ، هستی مادی و معنوی مانرا برباد خواهند داد .

ولی این بدین معنا نیست که افغانها در تطور زمان ، در مقابل استعمار و استبداد ، ستم و تعدی دست به مبارزه نزده ، و تلاش برای حصول استقلال ، و آزادی میهن شان نکرده اند ، دگراندیشان اصیل و بیدار ، مبارزین برحق و راستین و کافه مردم نجیب ، باوجدان ، فرهیخته و وطنپرست افغانستان ، در هر زمانی با بهای خون خویش کشور عزیز شانرا از یوغ اسارت هر اجنبی آزاد ساخته اند ، که نام های افتخارآمیزشان جاویدانه ، زیب تارک تاریخ سیاسی مان است ، طوریکه کارنامه ها و یاد آن عاشقان خاک ، مایه مباهات نسل های بعدی بوده است تا امروز .

مگر همانگونه که اشاره شد ، باز هم امپریالیزم جهانخوار ، با همدستی شرفباخته ترین ایادی اش ، کشور را اشغال نموده ، و خیال دارند ملت را توتہ توتہ ، و مُلک را پارچه پارچه نمایند ، پس درین اساس ترین ، یا خطرناکترین لحظه هستی سیاسی مملکت لازم می آید ، تا شریف ترین توده ها ، ستمدیدگان ، زندانیان بزرگترین زندان جهان ( افغانستان ) با یک صدا ، و با یک سیما بسیج شده به دژ و دژخیم ، به امپریالیزم خون آشام و چاکران بومی اش یورش ببرند ، و باز هم برای چند و چندین بار همانگونه که پوز تجاوزگران چون سکندر و چنگیز و انگلیس و روس را بخاک مالیدند ، این یکی را هم چنین کنند ، تا خون پُرافتخار و وطنخواهی و آزادمثنی در شریان نسل های بعدی جریان داشته باشد ، چنان کنید که فرهنگ آزادیخواهی و وطندوستی نهادینه شود ، آنگاه مجالی برای زندگی ننگین دشمنان مردم و میهن نخواهد ماند ، دیگر جایگاه زندگی افغانها پهنه ای پرواز کرگس و خفاش و لاشخوران خون آشام و عرصه جولان رهنزان ، دزدان ، زورگویان و تجاوزگران نخواهد بود ، آنگاه افغانها از شرق و غرب و شمال و جنوب کشور ، با غرور و مباهات به اهتزاز درفش سه رنگ مرغوب ملی شان در فضای آزاد ، مطمئن ، و آرام ، به دور از خوف و خون و خاکستر ، با لبان پُرخنده خواهند نگریست ...

اما ، بخاطر داشته باشیم که هر روز مُردن ، و مُرده مُرده زندگی کردند راه نجات نیست ، و نباید منتظر معجزه ای از آسمان باشیم ، اگر دست های بلند شده به آسمان را مشت گره کرده بسازیم ، و به دهان دشمن وطن و مردم سخت بکوبیم ، و با یک نام ، یک اراده و خاستگاه که همانا آزادی برای افغانستان ، و مردم آن است در صدد انهدام این ماشین کهنه زنگ زده روغن مالی شده برائیم ، به یقین مُلک معمور و مردم مسعود خواهند شد .